Journal of Interdisciplinary Civilizational Studies of the Islamic Revolution

Journal homepage: www.cir.ihu.ac.ir

A Jurisprudential Redefinition of Ghina and Music within the Horizon of Social Governance

Ali Farhani [*1] | Naser Ghilavizadeh [2] | Mohammad Mahdi Moghaddasi [3]

1. Assistant Professor, Imam Hossein University, Tehran, Iran. Email: naser.ghilavizade.uni@ihu.ac.ir
2. Researcher, Imam Hossein University, Tehran, Iran. Email: alifarhani@ihu.ac.ir
3. Professor of Advanced Islamic Studies, Islamic Seminary of Qom, Qom, Iran. Email: mohmah6584@gmail.com

Volume info

Vol. 5
Series: 19
Autumn 2026

Article Type

Research Paper

Article History

Received:
16 February 2026
Revised:
13 June 2026
Accepted:
09 August 2026
Published:
23 September 2026

ISSN – E-ISSN

ISSN: 2980-8901
E-ISSN: 2821-1685

Abstract

Purpose: In the contemporary era, the Islamic system faces governance challenges in numerous domains. While some of these issues, such as the Hijab, suffer merely from gaps in their governance models despite having clear jurisprudential (fiqhi) formulations, the issue of music suffers from both a governance vacuum and ambiguity in its jurisprudential framing.

Methodology The root of this ambiguity lies in the fact that within the Shia jurisprudential tradition, music has historically been treated as a peripheral issue and, despite an abundance of narrations (hadiths), has never been examined as an independent chapter. Adopting a social approach through an analytical-ijtihadi method, this article redefines music as a multidimensional phenomenon embedded within a social context.

Findings: The core finding indicates that the subject of prohibition (hurmah) in the narrations is not merely a sound possessing specific acoustic traits—such as tarji' (trilling/quavering) and tarab (rapture/elation)—but rather "sound within a social context" that encompasses cultural, economic, and ethical dimensions. Consequently, while "sound" remains a factor in determining the ruling, its social context is recognized as an integral component of the subject matter.

Research limitations: Therefore, an identical sound can take on different rulings—ranging from prohibition to obligation—depending on the context. This jurisprudential formulation provides the necessary framework for social extension and the design of an Islamic music governance model.

Keywords: Jurisprudence of Ghina and Music, Music Governance, Subject Analysis, Narrations on Ghina.

Cite this Paper: Farhani'A & Ghilavizadeh'N, Moghaddasi' M.(2026). A Jurisprudential Redefinition of Ghina and Music within the Horizon of Social Governance. Journal of Interdisciplinary Civilizational Studies of the Islamic Revolution. 5(19), 139-171. DOR: 20.1001.1.29808901.1405.5.19.5.6

OPEN ACCESS

Publisher:
Imam Hossein University.

©
The Author(s).

نشریه مطالعات میان‌رشته‌ای تمدنی انقلاب اسلامی
Journal homepage: www.cir.ihu.ac.ir

بازتعریف فقهی غنا و موسیقی در افق حکمرانی اجتماعی

علی فرحانی*[1] | ناصر قیلاوی‌زاده[2] | محمدمهدی مقدسی[3]

۱. استادیار، دانشگاه جامع امام حسین(علیه‌السلام)، تهران، ایران Email: naser.ghilavizade.uni@ihu.ac.ir
۲. پژوهشگر، دانشگاه جامع امام حسین(علیه‌السلام)، تهران، ایران Email: alifarhani@ihu.ac.ir
۳. استاد سطوح عالی حوزه علمیه، حوزه علمیه قم، قم، ایران Email: mohmah6584@gmail.com

سال و شماره
سال ۵، پیاپی: ۱۹
پاییز ۱۴۰۵

نوع مقاله
مقاله پژوهشی

سابقه مقاله
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۲۷
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۲۳۰۳
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۱۸
تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۷/۰۱

شاپا چاپی و الکترونیکی
شاپا چاپی: ۸۹۰۱-۲۹۸۰
الکترونیکی: ۱۶۸۵-۲۸۲۱

چکیده

هدف: در عصر حاضر، نظام اسلامی در موضوعات متعددی با چالش حکمرانی مواجه است. برخی از این موضوعات مانند حجاب، تنها از جهت الگوی حکمرانی دچار خلأ هستند، اما صورت‌بندی فقهی آن‌ها روشن است؛ در مقابل، مسئلهٔ موسیقی افزون بر خلأ حکمرانی، از ابهام در صورت‌بندی فقهی نیز رنج می‌برد. دلیل این ابهام آن است که در سنت فقهی شیعه، موسیقی به عنوان موضوعی فرعی لحاظ شده و با وجود انبوه روایات، حتی در قالب فصلی مستقل بررسی نشده است.

روش پژوهش: این مقاله با رویکردی اجتماعی و با روش تحلیلی- اجتهادی، موسیقی را به‌عنوان پدیداری چندبُعدی در بستر اجتماعی بازتعریف می‌کند.

یافته‌ها: یافتهٔ محوری آن است که موضوع حرمت در روایات، صرفاً یک صوت با ویژگی‌های خاص (مانند ترجیع و طرب) نیست، بلکه «صوت در بستر اجتماعی» است که ابعاد فرهنگی، اقتصادی و اخلاقی را نیز در بر می‌گیرد.

نتیجه‌گیری: بر این اساس، اگرچه «صوت» همچنان در موضوعیت حکم دخیل است، اما بستر اجتماعی آن نیز جزئی از موضوع به شمار می‌رود؛ در نتیجه، یک صوت یکسان می‌تواند در بسترهای گوناگون، احکام متفاوت -از حرمت تا وجوب- بیابد. این صورت‌بندی فقهی، ظرفیت لازم برای امتداد اجتماعی و طراحی الگوی حکمرانی موسیقی اسلامی را فراهم می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: فقه غنا و موسیقی، حکمرانی موسیقی، موضوع شناسی، روایات غنا.

استناد: فرحانی، علی؛ قیلاوی‌زاده، ناصر؛ مقدسی، محمدمهدی.(۱۴۰۵). بازتعریف فقهی غنا و موسیقی در افق حکمرانی اجتماعی؛ مطالعات میان‌رشته‌ای تمدنی انقلاب اسلامی؛ ۵(۱۹)؛ ۱۷۱-۱۳۹.
DOR: 20.1001.1.29808901.1405.5.19.5.6

OPEN ACCESS
CC BY
ناشر: دانشگاه جامع امام حسین(ع)
© نویسندگان.

مقدمه

مسئلهٔ آواز و موسیقی در نظام جمهوری اسلامی با چالش‌های عمیق و چندلایه‌ای مواجه است که بدون بازاندیشی فقهی و رویکردی نظام‌مند، حل آن ممکن نخواهد بود. نبود رویکردی شفاف و کارآمد و سیاست‌گذاری صحیح در این موضوع، سبب شده است که از زمان پیروزی انقلاب تاکنون، حاکمیت واکنش‌هایی متفاوت و گاه متضاد نسبت به این مسئله داشته باشد. این واکنش‌های بی‌ضابطه و متغیر، علاوه بر آن‌که مدیریت این مسئله را از دست حاکمیت خارج کرده، باعث ایجاد انشقاق میان مردم نیز گردیده است. همچنین، این بی‌برنامگی، موجب انفعال نهادهای اثرگذار در این بخش شده و این انفعال، نارضایتی نهادهای دینی و قشر متدین جامعه را در پی داشته است (کیهان، ۱۶ بهمن ۱۳۹۳). از سوی دیگر، عدم مدیریت در حوزهٔ آواز و موسیقی، سبب بروز مشکلات متعددی در میان مصرف‌کنندگان این محصول فرهنگی شده است؛ مشکلاتی از قبیل شکل‌گیری خرده‌فرهنگ‌های معارض با ارزش‌های ملی- دینی(محمدی و شریفی، ۱۴۰۰، ص ۱۵۵)، ترویج خشونت و ناامیدی در محتوای آثار (طالقانی و نصرالهی، ۱۴۰۱، ص ۲۲۱)، و گسترش ابتذال در زبان عمومی (یمینی، خادمیان و دهقان، ۱۴۰۳، ص ۱۷۵). افزون بر این، چالش‌های اقتصادی جدی، مانند خروج صدها میلیارد تومان سرمایه از کشور برای شرکت در کنسرت‌های خارجی (صبح امروز، ۳ آبان ۱۴۰۰) و پیوند موسیقی زیرزمینی با شبکه‌های فساد و قمار آنلاین (فاطمی‌نیا، پروین و درویشی‌فرد، ۱۳۹۹، ص ۴۱) نمونه‌هایی از چالش‌های متعدد در این حوزه است.

حکومت اسلامی تنها زمانی می‌تواند مدیریت این عرصه را در دست گیرد و برای حل چالش‌ها و معضلات آن اقدام کند که نخست، رویکرد دینی خود را نسبت به این موضوع به‌صورت روشن و شفاف تبیین کند و سپس، بر اساس ایدهٔ پشتیبان فقهی، با در نظر گرفتن تمامی ابعاد این مسئله، الگویی صحیح برای حکمرانی در این عرصه طراحی نماید.

مبانی مفهومی

پیش از ورود به بحث، ابتدا مفاهیم کلیدی به‌کاررفته در این پژوهش تبیین می‌گردد.

۱. حکمرانی (Governance)

واژه «حکمرانی» (Governance) از ریشهٔ یونانی kybernan به معنای «راندن کشتی» و «هدایت کردن» گرفته شده و بعدها به لاتین gubernare راه یافته است (Oxford English Dictionary, 1989). افلاطون نخستین کسی بود که این واژه را به صورت استعاری برای «راهبری انسان‌ها» و ادارهٔ جامعه به کار برد. این مفهوم در ادبیات معاصر علوم سیاسی و مدیریت دولتی، فراتر از «حکومت» (Government) به‌عنوان یک نهاد، به فرآیندها و سازوکارهایی اشاره دارد که از طریق آن‌ها قدرت در جامعه اعمال می‌شود. بانک جهانی، حکمرانی را «شیوهٔ اعمال قدرت در مدیریت منابع اقتصادی و اجتماعی یک کشور برای توسعه» تعریف کرده (World Bank, 1992: 3) و برنامهٔ توسعهٔ سازمان ملل متحد آن را «نظام ارزش‌ها، سیاست‌ها و نهادهایی می‌داند که جامعه از طریق آن امور اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خود را با تعامل دولت، جامعهٔ مدنی و بخش خصوصی مدیریت می‌کند» (UNDP, 1997: 2). بدین‌ترتیب، تمایز اساسی میان «حکومت» و «حکمرانی» آن است که حکومت به ساختارها و نهادهای رسمی قدرت اشاره دارد، درحالی‌که حکمرانی فرآیندی گسترده‌تر، تعاملی و شبکه‌ای است که صرفاً به دولت محدود نیست و مجموعه‌ای از کنشگران رسمی و غیررسمی را دربرمی‌گیرد (بیور، ۱۳۹۷، ص ۱۱). بنابراین، حکمرانی را می‌توان فرآیند هدایت و ادارهٔ امور جامعه از طریق تعامل نهادهای رسمی، بخش خصوصی و جامعهٔ مدنی با هدف نظم، پاسخگویی و توسعهٔ پایدار تعریف کرد.

۲. فقه اجتماعی

فقه اجتماعی رویکردی در مقابل «فقه فردی» است. در نگاه مقام معظم رهبری، فقه اجتماعی نگاهی حاکم و وصفی محیط بر تمام ابواب فقه است، نه بخشی از فقه یا منحصر به احکام اجتماعی و حکومتی(خامنه‌ای، ۱۳۷۰). در این نگرش، فقه «مقررات ادارهٔ زندگی مردم» (خامنه‌ای، ۱۳۸۲) و «استخوان‌بندی زندگی اجتماعی و سیاسی» (خامنه‌ای، ۱۳۹۸) است. تعبیر امام خمینی (ره) که فرمودند «فقه، تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱، ص ۲۸۹) ناظر بر همین جنبهٔ فقه شیعه است.

بنابراین فقه اجتماعی رویکردی نظام‌مند و کلان‌نگر است که استنباط فقهی را ناظر به ادارهٔ نظام اجتماعی می‌داند و آن را دربرگیرندهٔ تمامی ابواب فقه معرفی می‌کند.

٤. غنا

«غنا» در لغت عرب، از ریشه «غ–ن–ی» به معنای «آواز خواندن» و «صدا را کشیدن و ترجیع دادن» است. ابن‌منظور در لسان‌العرب (۱۴۱۴، ج ۱۵، ص ۱۳۶–۱۳۷) آن را «الصوت» و «رفع الصوت» (بلند کردن صدا) معنا می‌کند. جوهری در الصحاح (۱۴۰۷، ج ۶، ص ۲۴۴۹) نیز «غِناء» را «مدّ الصوت» (کشیدن صدا) می‌داند.

در اصطلاح فقهی، مشهورترین تعریف از آنِ محقق حلّی در شرائع الإسلام است: «مدّ الصوت المشتمل علی الترجیع المطرب»؛ یعنی کشیدن صدا به همراه ترجیع و ایجاد حالت طرب (محقق حلّی، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۱۱۷). بااین‌حال، فقها در قیود این تعریف اختلاف دارند؛ برخی «طرب» را شرط دانسته و برخی آن را حذف کرده‌اند. شهید ثانی (۱۴۱۳، ج ۳، ص ۱۲۶) و محقق اردبیلی (بی‌تا، ج ۸، ص ۵۷) معتقدند تشخیص غنا باید به عرف واگذار شود. در مقابل، مقام معظم رهبری (غنا و موسیقی، ۱۳۹۸، ص ۱۹۵) میان «معنای لغوی عام» غنا (هر صدای آهنگین) و «معنای عرفی خاص» آن (آوازخوانی متعارف) تفکیک قائل می‌شوند و معنای عرفی را موضوع ادلهٔ شرعی می‌دانند.

۵. موسیقی

موسیقی، برگرفته از واژه یونانی «Mousikē»، در فرهنگ غربی به عنوان هنر سازمان‌دهی و ترکیب اصوات و سکوت‌ها در قالب ریتم، ملودی و هارمونی با هدف بیان عاطفی و زیبایی‌شناختی تعریف می‌شود (Britannica, 2026). با تأسیس بیت‌الحکمه و آغاز نهضت ترجمه در عصر عباسیان، این واژه وارد فرهنگ اسلامی شد؛ فارابی در «الموسیقی الکبیر»، آن را معادل «لحن» و دانش بررسی نغمه‌ها و «ایقاع» (ریتم) دانستند(فارابی، ۱۳۹۱، ص۱۱). از منظر ساختاری، عناصر اصلی موسیقی شامل صدا، سکوت، زیروبمی (نواک)، طنین و ضرب‌آهنگ است که عواطف انسانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

اما در کلام فقها، تعریف آن با مفاهیمی «عزف» گره خورده است. در اصطلاح فقهی، عزف به معنای همان صداها، نغمه‌ها و آهنگ‌هایی است که از سازها بیرون می‌آید. فقها ابزارهای تولیدکننده این اصوات- شامل سازهای وتری یا سیمی (مانند عود، تار و تنبور)، بادی (مانند نی) و کوبه‌ای (مانند دایره و طبل)- را «آلات العزف» تعبیر می‌کنند که در روایات و ادلهٔ شرعی از آن‌ها به «آلات اللهو» نیز یاد شده است (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ص ۳۴۲).

تبیین مسئله و رویکرد پژوهش

با توجه به تعریف حکمرانی، روشن است که مسئلهٔ آواز و آهنگ، امری صرفاً حاکمیتی نیست؛ بلکه کنشگران این عرصه، افزون بر حاکمیت، بخش‌های مختلف جامعه را نیز دربرمی‌گیرند. همچنین، با گسترش رسانه‌های جمعی و ارتباط میان جوامع گوناگون، دیگر جوامع نیز به عنوان یکی از کنشگران و تأثیرگذاران اصلی این عرصه به شمار می‌آیند. حکومت اسلامی باید بتواند با اعمال حکمرانی صحیحِ مبتنی بر الگوی اسلامی، این امر چندوجهی و کنشگران متنوع آن را بر اساس مبانی بینشی خود ساماندهی نماید.

خلأ وجود این الگو، نه تنها در مسئلهٔ آواز و موسیقی، بلکه در بسیاری از موضوعات دیگر مانند حجاب و پوشش، گردشگری و بانکداری نیز موجب ایجاد چالش‌های اساسی در جامعه شده است. این‌ها مسائلی هستند که باید الگوی حکمرانی برای آن‌ها طراحی شود. اما تفاوت مسئلهٔ آواز و موسیقی با مسئله‌ای مانند حجاب و پوشش در این است که در مسئلهٔ حجاب، تبیین فقهیِ آن روشن است؛ لذا در اصلِ ایدهٔ پشتیبان فقهی ابهامی وجود ندارد. اگرچه ممکن است در مرحلهٔ طراحی الگوی حکمرانی در این عرصه، مراجعهٔ مجدد به منابع لازم باشد، ولی حکم پوشش و ابعاد آن از جهت فقهی واضح است. اما در مسئلهٔ غنا و موسیقی اینچنین نیست؛ در این مسئله نه تنها الگوی حکمرانی طراحی نشده، بلکه خود موضوع از جهت فقهی نیز با ابهامات زیادی روبه‌رو است. لذا با صرف‌نظر از مسئلهٔ حکمرانی، حدود و ابعاد این موضوع با نگاه فقهی محض نیز مبهم است. با بررسی دیدگاه‌های فقهای بزرگ شیعه از گذشته تاکنون، مشاهده می‌کنیم بسیاری از نظراتی که فقها در این مسئله بیان کرده‌اند، دچار ابهامات فقهی متعدد است و علاوه بر این ابهامات، به دلیل عدم موضوع‌شناسی صحیح، قابلیت امتداد حکمرانانه ندارد.

با توجه به اینکه طراحی الگوی حکمرانی اسلامی در هر مسئله باید مبتنی بر رویکرد دینی نسبت به آن مسئله صورت گیرد، در موضوع آواز و موسیقی نیز ناگزیر از شناخت موضع‌گیری شرع مقدس و دستیابی به یک ایدهٔ پشتیبان فقهی هستیم. بررسی میراث فقهی فقهای شیعه در این زمینه نشان می‌دهد که دیدگاه غالب فقهی تاکنون نتوانسته است از الگوی حکمرانی اسلامی پشتیبانی کند؛ چراکه در این دیدگاه، موضع شریعت به‌گونه‌ای تفسیر شده که امکان اعمال حکمرانی در این حوزه را از بین می‌برد. این خلأ، مانعی جدی برای ورود به مرحلهٔ طراحی الگوی حکمرانی ایجاد کرده است. از همین‌رو، این پژوهش بر آن است تا ایده‌ای فقهی ارائه دهد که قابلیت امتداد در عرصهٔ حکمرانی را داشته باشد.

در میان دیدگاه‌های فقهی موجود، برخی نظرات ظرفیت‌هایی برای پی‌ریزی یک الگوی حکمرانی دارند. در این میان، مقام معظم رهبری با شناخت عمیق از ادلهٔ شرعیِ این مسئله و تبیین دقیق فقهی آن، نقش بسزایی در تکمیل سرمایهٔ فقهی این بحث داشته‌اند. لذا، اندیشهٔ فقهی ایشان محور اصلی این پژوهش قرار گرفته است. ما در این پژوهش تلاش کرده‌ایم با امتداد دادن این اندیشهٔ فقهی، آن را در قالب یک ایدهٔ پشتیبان ارائه دهیم و به طراحی الگوی حکمرانی اسلامی در عرصهٔ موسیقی نزدیک شویم.

کارآمدسازی فقه برای حل چالش‌های عصر حاضر

یکی از چالش‌های مهمی که امروزه نظام اسلامی با آن مواجه است، فاصله گرفتن ایده‌های فقهی از متن جامعه است. به این معنا که فقه شیعه، که در دوران گذشته به عنوان منبعی پاسخگو برای پرسش‌های فردی و اجتماعی انسان مسلمان عمل می‌کرد، اکنون از واقعیت‌های زندگی روزمره فاصله گرفته و پاسخ‌هایی که ارائه می‌دهد، هنگام تلاش برای پیاده‌سازی در متن اجتماع، با ابهامات و ناسازگاری‌های فراوانی روبرو می‌شود. این امر صرفاً به دلیل ظهور موضوعات جدیدی که در گذشته سابقه‌ای نداشته‌اند نیست، بلکه حتی همان مسائل قدیمی نیز امروزه چنان پیچیده و چندبعدی شده‌اند که پاسخ‌های گذشته در موارد زیادی برای تبیین و حل آن‌ها کفایت نمی‌کند. از این رو حضرت امام خمینی(۱۳۷۸، ج ۲۱، ص ۲۹۲) و رهبر شهید(اعلی‌الله‌مقامه‌الشریف) (خامنه‌ای، بی‌تا، ص ۱۱۲۶) معتقدند که اگر کسی با مشکلات جامعه سر و کار داشته باشد می‌فهمد که اجتهاد مصطلح برای ادارهٔ جامعه کافی نیست.

در این میان، پرسش بنیادین آن است که «**در فرآیند اجتهاد چه تغییراتی باید صورت گیرد تا بتواند کارآمدی لازم برای ادارهٔ جامعه و ابعاد حکمرانی را فراهم آورد؟**». از دوران پس از انقلاب تاکنون، دیدگاه‌های مختلفی در پاسخ به این پرسش ارائه شده است. با این‌حال، فقهای برجسته شیعه –از جمله حضرت امام خمینی– در برابر این تغییر یک مرز مشخص و غیرقابل عبور تعیین کرده‌اند: **التزام به «فقه جواهری» و جلوگیری از پیدایش «فقه جدید»**. (خمینی، ۱۳۷۹ب، ج ۱، ص ۴۵۹) به‌بیان دیگر، تحول و پویایی در فقه تنها در عنصر زمان و مکان صورت می‌گیرد و نباید به انقطاع از مبانی سنتی و شکل‌گیری فقهی نوین و گسسته منجر شود. در این میان، پرسش مهم آن است که چگونه می‌توان پویایی و تکامل فقه شیعه را دنبال کرد، بی‌آنکه به مرزهای تعریف‌شده و چارچوب‌های بنیادین آن آسیب وارد شود؟

برای پاسخ به این پرسش، ابتدا باید اجزای فرآیند استنباط را به دقت شناخت. فرآیند استنباط از سه رکن اصلی تشکیل شده است:

- منابع
- روش اجتهاد
- موضوع

آنچه در طول تاریخ فقه شیعه به عنوان یک اصل مسلم پذیرفته شده، این است که دو رکن اول، یعنی منابع و روش، ثابت و تغییرناپذیرند و تحول و دگرگونی تنها به عرصهٔ موضوعات اختصاص دارد.

منابع استنباط

فقه شیعه امامیه، از قرون نخستین تاکنون، استنباط احکام شرعی را تنها بر پایه چهار منبع مشروع می‌داند که اصطلاحاً «ادلّهٔ اربعه» نامیده می‌شوند: کتاب (قرآن)، سنت، اجماع و عقل. این چهار منبع، هستهٔ سخت استنباط فقهی شیعه را تشکیل می‌دهند و هر آنچه خارج از این منابع باشد، در استنباط حکم شرعی فاقد اعتبار است. نه تنها تعداد منابع محدود است، بلکه کیفیت و حدود استفاده از هر منبع نیز به‌صورت ضمنی مشخص شده است؛ مثلاً فقها تنها به آیات خاصی به نام

«آیات الاحکام» برای استنباط حکم فقهی تمسک می‌کنند و از هر آیه نیز استفادهٔ خاصی می‌نمایند؛ استفاده از عقل نیز در گرو شروط خاصی است که در اصول فقه به دقت تبیین شده است.

با گسترش پیچیدگی‌های زندگی اجتماعی، مسائلی مطرح شده‌اند که در ظاهر، نصّی در قرآن یا سنت برای آن‌ها موجود نیست. اینجاست که برخی با این دغدغه مواجه شده‌اند که «آیا منابع چهارگانه برای پاسخگویی به مسائل جدید کافی هستند؟» و در نتیجه، به سمت پیشنهاد منابع جدیدی مانند سیره‌های عقلایی رفته‌اند (لجنة الفقه المعاصر، ۱۴۴۱، ص ۹).

در این میان، دو نگاه به توسعه منابع فقهی وجود دارد. توسعهٔ صحیح آن است که موضوعات جدید به درستی تحلیل شوند، «شبکه مسائل» شکل گیرد، و سپس با همان چهار منبع سنتی ـ ولی با خوانش و بازخوانی نو ـ باب‌های جدیدی در فقه گشوده شود. این مسیر، مطابق سیره فقهای بزرگ است و بدون نیاز به افزودن منبع جدید، ظرفیت بالایی برای نوآوری دارد. توسعه نادرست آن است که منابع جدیدی خارج از ادلّهٔ اربعه ـ با ضوابط خاص آن‌ها ـ به عنوان حجت وارد فقه شود. نتیجهٔ این رویکرد، پیدایش نوعی «فقه جدید» گسسته از سنت فقهی شیعه است.

توسعهٔ نادرست در دو حوزه رخ می‌دهد: نخست، تغییر در کیفیت استفاده از منابع موجود؛ مانند آنکه فقیهی از آیات یا روایات به شیوه‌ای استفاده کند که در سنت فقهی سابقه ندارد و با نادیده گرفتن روش‌شناسی پذیرفته‌شده، عملاً «منبع جدیدی» ابداع کند ـ مانند استناد به آیه «أوفوا بالعقود» برای اثبات شرعی بودن تمام عقود جدید، برخلاف سیرهٔ فقها که برای هر قرارداد به دنبال دلیل خاص بوده‌اند. دوم، افزودن صریح منبعی جدید به ادلّهٔ اربعه؛ مانند ارائه تفسیرهای موسّع و بی‌ضابطه از «عقل» یا «سیرهٔ عقلایی» که با تعریف پذیرفته‌شده در فقه شیعه سازگار نیست (همان، ص ۸۷).

با این حال، منابع چهارگانه‌ای که قرن‌ها فقهای شیعه از آن بهره برده‌اند، از چنان ظرفیتی برخوردارند که با وجود پیچیدگی‌ها و گستردگی مسائل روز، همچنان کارآمد و پاسخگو هستند. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند:

> «بنده از آدم‌هایی نیستم که معتقد باشم باید فقه را چنین و چنان کرد؛ نخیر. بنده معتقدم همین امارات و اصول و ـ در جای خود ـ مجاری این‌ها را دانستن و به این‌ها تمسّک کردن، برایمان کافی است. همین کتاب و سنّتی که ما داریم، اگر کسی فقیه باشد و شیوه و آن متد استنباط را بلد باشد، تمام این مباحث، قابل حلّ است و هیچ مشکلی ندارد.» (خامنه‌ای، بی‌تا، ص ۱۱۲۶)

روش استنباط

دومین رکن دستگاه استنباط، «روش و متد استنباط» است که این روش نیز همانند منابع، ثابت و تغییرناپذیر است. این شیوه که از آن با عنوان «فقه جواهری» یاد می‌شود، برای پاسخگویی به مسائل جدید نیازی به تغییر ندارد.

در اینجا، یک پرسش کلیدی مطرح می‌شود: چگونه یک روش «سنتی» می‌تواند «پویا» باشد؟ مقام معظم رهبری با رد دوگانگی میان فقه سنتی و پویا، این دو را یک حقیقت واحد می‌دانند. این فقه «پویا» است، زیرا توانایی حل مشکلات انسان و پاسخ به مسائل نوپدید را دارد؛ و در عین حال «سنتی» است، زیرا این پاسخگویی از طریق یک روش اجتهادی مشخص و آزموده‌شده در طول قرن‌ها صورت می‌گیرد که کارایی خود را به اثبات رسانده است. *(خامنه‌ای، بی‌تا، ص۱۹۶)* ایشان تخلف از روش رایج فقها را جایز نمی‌دانند و می‌فرمایند:

> «اما در مورد روش تحصیل و تحقیق حوزه ها این جانب معتقد به فقه سنتی و اجتهاد جواهری هستم و تخلف از آن را جایز نمیدانم اجتهاد به همان سبک صحیح است ولی این بدان معنا نیست که فقه اسلام پویا نیست زمان و مکان دو عنصر تعیین کننده در اجتهادند مسئله ای که در قدیم دارای حکمی بوده است به ظاهر همان مسئله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد و یک نظام ممکن است حکم جدیدی پیدا کند بدان معنا که با شناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی همان موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده است واقعاً موضوع جدیدی شده است که قهراً حکم جدیدی میطلبد» (خامنه‌ای، بی‌تا، ص ۱۶۰).

این روش نظام‌مند و دقیق در اصطلاح، «**فقاهت**» نامیده می‌شود. فقاهت در واقع همان فرایند منطقی «ارجاع فروع به اصول» است؛ یعنی استنباط احکام جزئی از مبانی و منابع چهارگانه (کتاب، سنت، عقل و اجماع). این شیوه، چارچوب و قواعد استنباط را به دقت مشخص می‌کند. مسائلی همچون ترتیب مراجعه به ادله، نحوه حل تعارض میان آن‌ها (در صورت وجود)، و زمان و چگونگی به کارگیری اصول عملیه (در صورت نبود دلیل)، همگی بخشی از این روش هستند. (همان،بی‌تا، ص۴۱۵) مجموعه این قواعد و ضوابط که در علم «اصول فقه» به تفصیل مورد بحث

قرار می‌گیرد، در حقیقت، شاکله و اساس روش «فقاهت» را تشکیل می‌دهد و تغییر این شیوه منجر به شکل‌گیری فقه جدید می‌شود؛ امام خمینی در این باره می‌فرمایند:

«فإنّ إلقاء الإطلاقات و العمومات علی أصحاب الکتب و الأصول إلی ما شاء اللّه، مع بیان مقیّداتها و مخصّصاتها منفصلةً ببیان مستقلّ لأغراض و مصالح، منها فتح باب الاجتهاد و الدراسة، و فیهما من البرکات و تشیید أرکان الدین إلی ما شاء اللّه، ففیها یکون تقیید المطلق و تخصیص العامّ رائجاً هیّناً علیه بناء فقه الإسلام، و رفع الید عنه مستلزم لتأسیس فقه جدید» (خمینی، ۱۳۷۹ب، ج ۱، ص ۴۵۹).

موضوع حکم

برای پاسخگویی به نیازهای حکمرانی جدید، دو رکن اصلی فقه یعنی «منابع» و «روش استنباط» ثابت می‌مانند. محور تحول و عاملی که منجر به نتایج و احکام جدید می‌شود، «موضوع‌شناسی» است. در واقع، با شناخت دقیق و عمیق موضوعات جدید، می‌توان از همان منابع ثابت و با همان روش سنتی، به پاسخ‌های متناسب با هر عصر دست یافت. این «موضوع» است که همواره در حال تغییر است و به تبع آن، حکم نیز تغییر می‌کند.

اهمیت موضوع‌شناسی همواره مورد توجه فقها بوده است، اما هیچ‌گاه به عنوان یک دانش مستقل به آن پرداخته نشده و مباحث آن به صورت پراکنده در ضمن سایر مسائل فقهی مطرح می‌شد. اما در عصر حاضر، با ظهور پدیده‌های پیچیده و تحول سریع موضوعات گذشته، نیاز به توسعه این دانش به یک ضرورت انکارناپذیر تبدیل شده است.

روش موضوع‌شناسی در گذشته با آنچه امروز مورد نیاز است، تفاوت ماهوی دارد. در گذشته، فقها برای شناخت یک موضوع، به ترتیب به دنبال معنای شرعی، عرفی یا لغوی آن می‌رفتند. امروزه این روش خطی برای درک مسائل پیچیده و چندبعدی جدید کافی نیست.

شهید مطهری این تفاوت را به خوبی در تحلیل «سرمایه‌داری» نشان می‌دهد. ایشان معتقد بود که بسیاری از فقها، مسائل جدیدی مانند بانک و بیمه را بررسی می‌کنند، اما از این نکته غافل‌اند که خودِ نظام سرمایه‌داری مدرن، یک پدیده کاملاً جدید و بی‌سابقه است. آن‌ها تصور می‌کنند سرمایه‌داری امروز، همان شکل گسترده‌تر تجارت، اجاره یا مضاربه در گذشته است. اما این یک

اشتباه است؛ سرمایه‌داری مدرن یک نظام اقتصادی و اجتماعی مستقل با ویژگی‌های منحصربه‌فرد است که باید جداگانه و به عنوان یک «مسئله مستحدثه» مورد اجتهاد قرار گیرد، نه صرفاً تطبیق احکام گذشته بر قالبی جدید(مطهری، ۱۴۰۲، ص. ۱۱۳).

بنابراین، دیگر نمی‌توان موضوع‌شناسی را به «عرف» به تنهایی واگذار کرد. امروزه این کار به یک امر تخصصی و چندمرحله‌ای تبدیل شده است. در مرحله نخست، متخصصان هر حوزه باید ابعاد و پیچیدگی‌های یک موضوع را به دقت تحلیل و تبیین کنند و سپس فقیه با در دست داشتن این تحلیل جامع، می‌تواند برای استنباط حکم دقیق آن به منابع فقهی مراجعه نماید.

مقام معظم رهبری معتقدند که تکمیل فقه به گسترش منابع یا تغییر روش نیست؛ بلکه پرکردن خلأ موضوع شناسی است که فقه شیعه را تکمیل می‌کند؛ ایشان می‌فرمایند:

> «با پیشرفت فنی و صنعتی و علمی بشر که بر روی همهٔ شئون زندگی وی اثر گذارده ... تعداد موضوعاتی که ... فقه باید حکم شرعی آن‌ها را بیان کند ... به همین نسبت افزایش می یابد. بی شک سرچشمه های فقه و نیز شیوه فقاهت برای فهم حکم این موضوعات کافی است، ولی شناخت موضوعی آن‌ها و تحقیق و تدقیق لازم برای تطبیق موضوع با عناوین کلی در فقه و استدلال مناسب و خلاصه بهترین روش برای درک حکم شرعی آن، کاری مهم و راهی دراز است. هم چنین ای بسا موضوعاتی که در فقه مطرح گشته ... ولی امروزه، موضوع چنان تحول و تطوری یافته که به آسانی نمی‌توان حکم آن را از آنچه در گذشته گفته شده است دانست. در چنین مواردی است که فقهای عصر باید با روشن بینی و احاطه علمی و پایبندی به روش فقاهت از یک سو و آزاداندیشی و شجاعت علمی از سوی دیگر، مفاهیم جدیدی را در فقه کشف کرده و احکام تازه ای را با استناد به کتاب و سنت، عرضه کنند و این تکمیل فقه است.» (خامنه‌ای، ۱۳۷۲)

رویکرد موضوع‌شناسانه‌ای که در این نوشتار در مسئلهٔ غنا و موسیقی مدنظر قرار گرفته، در امتداد همان نوع موضوع‌شناسی دقیقی است که در بیانات مقام معظم رهبری و شهید مطهری به آن اشاره شده است. بر این اساس، هرگاه در متن از واژه «موضوع‌شناسی» یا تعابیر مشابه آن استفاده

می‌شود، مراد معنای نوین موضوع‌شناسی است که با روش موضوع شناسی فقهای گذشته کاملاً متفاوت است.

ضرورت رویکرد فقه اجتماعی برای حکمرانی

برای آنکه فقه شیعه بتواند مبنای حکمرانی قرار گیرد، باید از نگاه فردمحور فراتر رفته و رویکردی اجتماعی اتخاذ کند. مقام معظم رهبری ریشهٔ نگاه فردی در فقه شیعه را یک واقعیت تاریخی می‌دانند: از آنجا که شیعه برای قرن‌ها از حکومت به دور بود، فقه آن نیز ضرورتی برای اداره یک جامعه سیاسی احساس نمی‌کرد. در نتیجه، فقه شیعه بیشتر به عنوان «فقه فردی» رشد کرد که به امور عبادی و شخصی افراد یا نهایتاً حوزه‌های محدودی چون خانواده می‌پرداخت(خامنه‌ای، ۱۳۷۶).

رویکرد اجتماعی؛ ماهیت جدایی‌ناپذیر قوانین اسلام

با این حال، دیدگاه صحیح آن است که ماهیت دین اسلام در تمام شئون خود، اجتماعی است. حتی احکامی که در ظاهر فردی به نظر می‌رسند، در بستر جامعه معنا می‌یابند و ابعاد اجتماعی دارند.

مبنای این دیدگاه آن است که کمال نهایی انسان تنها در بستر یک زندگی اجتماعی هدفمند ممکن می‌شود. از آنجا که جامعه به دلیل تعارض منافع، نیازمند یک نظام راهبر برای حرکت به سوی کمال (توحید جمعی) است، ادیان الهی و در کامل‌ترین شکل آن، شریعت اسلام، این نقش را بر عهده دارند. بنابراین، تمام احکام اسلامی در جهت رشد همین هویت اجتماعی طراحی شده‌اند.

این رویکرد اجتماعی تنها به ابوابی مانند معاملات یا حدود محدود نمی‌شود، بلکه در عبادات فردی مانند نماز و حج نیز با تأکید بر جماعت و گردهمایی، ابعاد اجتماعی پررنگی دیده می‌شود. این نگاه کلان به دین، در اندیشه بزرگانی چون امام خمینی و علامه طباطبایی نیز محوری است. امام خمینی اسلام را عیناً همان «حکومت و شئون آن» می‌دانستند و احکام را ابزاری برای تحقق آن و بسط عدالت می‌دیدند(خمینی، ۱۳۷۹ الف، ج ۲، ص ۶۳۳). علامه طباطبایی نیز تأکید داشتند که

«اسلام در تمام شئون خود اجتماعی است» و این ویژگی در همه قوانین و احکام آن لحاظ شده است(طباطبایی، ۱۳۵۲، ج. ۴، ص ۱۲۶). درک این حقیقت اجتماعی، کلید اصلی برای حل مسائل جدید و طراحی یک الگوی حکمرانی مبتنی بر فقه است.

اجتماعی بودن مسأله غنا و موسیقی

مسئله موسیقی در جامعه امروز به‌عنوان یک مسئله اجتماعی کلان باید مورد توجه قرار گیرد. برخلاف تصور رایج، موسیقی تنها یک صوت با ویژگی‌های خاص نیست که بتوان آن را صرفاً براساس تشخیص عرف از واژۀ «غنا» یا «موسیقی»، وارد فرآیند فقهی کرد. بلکه این پدیده، در بستر جامعه، ابعادی متنوع و پیچیده پیدا کرده است که هر یک از آن‌ها در تشخیص حکم فقهی آن مؤثر و دخیل‌اند. موسیقی، ابرچالشی دامنه‌دار در عرصه اجتماعی است که نمی‌توان آن را با نگاه محدود فردی تحلیل کرد؛ در حالی که در تاریخ فقه، معمولاً به‌عنوان یک فرع فردی مورد بررسی قرار گرفته است.

برای اثبات اجتماعی‌بودن این پدیده، کافی‌ست به برخی چالش‌های کلان فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و حتی امنیتی ناشی از موسیقی در جامعه ایران امروز توجه کنیم:

در حوزه فرهنگ، پیدایش خرده‌فرهنگ‌هایی حول محور گروه‌های موسیقی خاص (مانند برخی گروه‌های موسیقی پاپ کره‌ای) موجب شکل‌گیری قطب‌های فرهنگی جدید شده است.

در حوزه سبک زندگی، تأثیر چهره‌هایی مانند امیرحسین مقصودلو (تتلو) بر نوجوانان، هم در گفتار و هم در رفتارهای روزمره، کاملاً مشهود است.

در حوزه اقتصادی، شکل‌گیری جریان‌های مالی ناسالم و حتی مرتبط با قمار در پشت‌صحنه برخی فعالیت‌های موسیقایی مشاهده می‌شود.

در حوزه آسیب‌های اجتماعی، ژانرهایی مانند رپ، بازنمایی خاصی از وضعیت شهری و اجتماعی ارائه می‌دهند و موسیقی‌هایی مانند جاز یا راک، در برخی موارد با افزایش رفتارهای پرخاشگرانه و خشونت‌آمیز در میان نوجوانان همراه بوده‌اند.

همچنین نمی‌توان از پیامدهای امنیتی برخی جریان‌های موسیقیایی در کشور غفلت کرد.

با توجه به این ابعاد، روشن است که برای ارائه پاسخ فقهی دقیق به مسئله موسیقی، ابتدا باید آن را در جایگاه واقعی‌اش یعنی به‌عنوان یک پدیده اجتماعی بررسی کرد. تنها در این صورت است که می‌توان در موضوع‌شناسی به درک صحیح رسید و حکم فقهی متناسب با واقعیت را استخراج نمود.

نکته مهم‌تر آن‌که، وجوه اجتماعی موسیقی، صرفاً مختص عصر ما نیست. بازخوانی دقیق متون دینی و تحلیل زمینه‌های صدور روایات نیز نشان می‌دهد که موسیقی در صدر اسلام و جوامع پیشین نیز مسئله‌ای اجتماعی بوده است، که در بخش بعدی به آن پرداخته خواهد شد.

ادلهٔ باب غنا و موسیقی

در غِنا، تنها منبع معتبر برای اثبات حکم، روایات معصومان علیهم‌السلام است؛ چراکه آیات قرآن دلالت صریحی بر حرمت ندارند و فهم حرمت از آن‌ها بدون پشتوانه‌ی روایی ممکن نیست. عقل نیز در این مسئله دلیلی مستقل ارائه نمی‌دهد و اجماع فقها، اگرچه به‌صورت کلی بر حرمت اتفاق دارند، اما معیار حجیت اجماع ـ یعنی «وَصلَ إلیهم دلیلٌ لم یَصِل إلینا» ـ در این مورد محقق نیست و اجماع مذکور نمی‌تواند در عرض سایر ادله نقش اثباتی ایفا کند. ازاین‌رو، بازخوانی تحلیلی و موضوع‌محور روایات، برای تبیین دقیق‌تر حکم شرعی و رفع ابهامات، ضرورتی اجتناب ناپذیر است(خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ص ۵).

رویکرد مشهور در تبویب روایات غنا و موسیقی و نقد آن

شیخ حرّ عاملی شمار روایات غنا و موسیقی را بالغ بر سیصد روایت می‌داند، اما با وجود این کثرت، فقها این مسئله را به‌صورت تفصیلی بررسی نکرده و اهتمام چندانی به آن نداشته‌اند. مرور منابع روایی نشان می‌دهد این روایات عموماً ذیل عناوینی کلی همچون «باب الغناء و باب حرمة الغناء» یا «باب کسب المغنّیة و شرائها» گردآوری شده‌اند. در برخی منابع، مانند وسائل الشیعه، پاره‌ای از این روایات حتی در ابوابی با موضوعات کاملاً ناظر به حکم ــ نه موضوع ــ نظیر «باب عدم قبول شهادة اللاعب بالنرد و الشطرنج و کل مقامر و فاعل الغناء و مستمعه» جای گرفته‌اند (حر عاملی، ۱۳۷۴، ج ۲۷، ص ۳۷۹). نکته اساسی آن است که علی‌رغم تفاوت‌ها و دلالت‌های مفهومی متنوع این روایات، دسته‌بندی دقیقی که مبتنی بر ابعاد گوناگون خودِ «موضوع غناء» باشد، کمتر به چشم می‌آید.

این در حالی است که در ابواب فقهی دیگر، به‌ویژه موضوعاتی که فقها اهتمام ویـژه‌ای بـه آن داشته‌اند، شاهد کنکاش و دقت‌نظر در ابعاد مختلف موضوع هستیم. نمونه بارز آن، مبحث طهارت و مسئله «آب‌ها» (میاه) است: روایات مربوط به آب ذیل عناوینی چون آب مطلق و مضـاف، و در ادامه، آب چاه، آب باران، آب کر، آب قلیل و... تبویب شده‌اند. بررسی روایـات بـا چنـین نگـاه موضوع‌محوری موجب می‌شود احکام استنباط‌شده دقیق‌تر، جزئی‌تر و پاسخگوتر به مسائل مبتلابـه باشند.

در مقابل، در ابوابی همچون غنا که فقها آن‌ها را بحثی محـوری و اصـالی ندانسـته و در شـمار مباحث فرعی قلمداد کرده‌اند، تبویب‌ها غالباً کلی و با حداقل جزئیات صورت گرفته اسـت. پیامـد این نگاه آن است که احکام کلیِ به‌دست‌آمده، بدون لحاظ وجوه مختلف و ابعاد گوناگون مسـئله شکل گرفته‌اند و در مواجهه با موضوعات پیچیده و نوظهور، قادر به ارائه پاسخ‌های شفاف نیسـتند و ابهامات فراوانی در تطبیق فتاوای شرعی با واقعیت‌های نوظهور پدید می‌آید.

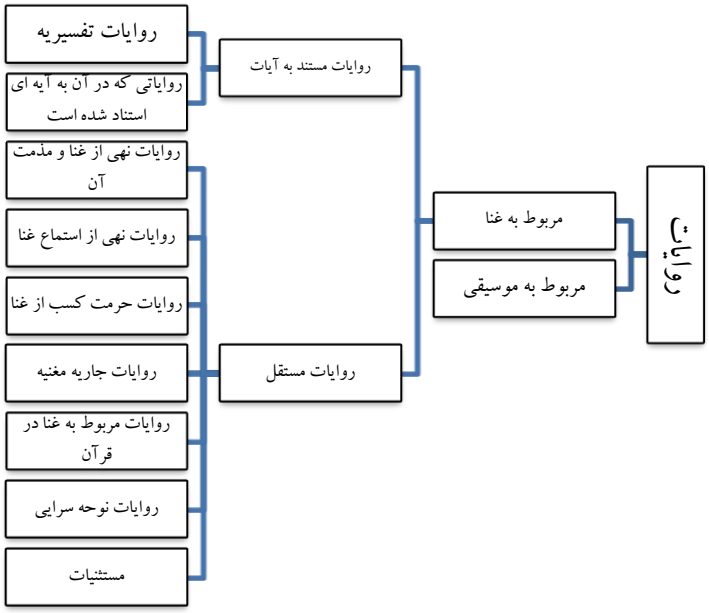
بررسی جریان تاریخی نیز مؤید این نکته است: اگرچه غناء در اواخـر دوران بنـی‌امیـه و اوایـل خلافـت عباسـیان از مسـائل مبتلابـه عمـوم مـردم بـود ـــ تـا جـایی کـه روایـات متعـددی از معصومین(علیهم‌السلام) در این زمینه وارد شده است ــ اما در قرون پس از عصر حضور، این مسئله به‌تدریج از سطح عمومی جامعه فاصله گرفت و به موضوعی محدود در میان اقشار خاص بدل شد. در نتیجه، در دوره‌های متأخر، این مسئله از منظر فقهی کمتر مورد تحلیل عمیـق و چندجانبـه قـرار گرفت و ابعاد مختلف آن واکاوی نشد.

با گسترش پدیده غناء و موسیقی در جامعه، فقهای متأخر توجه بیشتری بـه آن نشـان داده‌انـد و تلاش‌هایی برای دسته‌بندی روایات در ابواب گوناگون صورت گرفته است. اما این دسـته‌بنـدی‌هـا غالباً شکلی یا مبتنی بر حکم و موضوع کلی‌اند و کمتـر بـه تحلیـل خـودِ موضـوع غنـاء بـا در نظـر گرفتن ابعاد مختلف آن توجـه شـده اسـت. همـین امـر باعـث شـده ایـن طبقـه‌بنـدی‌هـا، بـا وجـود سودمندی‌های اولیه، تأثیر عمیقی در فرآیند اجتهاد و پاسخگویی به مسائل نوین نداشته باشند.

ازآنجاکه مسئله غناء و موسیقی ماهیتی اجتماعی و چندلایـه دارد و وابسـته بـه شـرایط زمـانی، فرهنگی و اجتماعی است، تحلیل آن نیازمند نگاهی ترکیبی است که بسترهای فرهنگی و اجتماعی را در کنار ویژگی‌های ذاتـی موضـوع لحـاظ کنـد. بـا چنـین رویکـردی مـی‌تـوان از دل روایـات،

معیارهایی اجتماعی استخراج کرد و به دسته‌بندی تازه و مؤثرتری دست یافت. این نگاه، علاوه بر تقویت اجتهاد، زمینه بهره‌گیری کارآمدتر از فقه در عرصه حکمرانی دینی را فراهم می‌آورد.

فقهای متأخر، چه در ضمن آثار فقهی و چه در رساله‌های مستقل، با تفصیل بیشتری به این مسئله پرداخته و روایات مرتبط را بر اساس معیارهایی مشخص دسته‌بندی کرده‌اند. گرچه شیوه تبویب در آثار گوناگون تفاوت‌هایی جزئی دارد، اما در مجموع از الگویی نسبتاً یکسان پیروی می‌کند. در این دسته‌بندی، هرچند در مواردی با توجه به موضوع حکم شرعی روایات در یک باب قرار گرفته‌اند، ولی رویکرد غالب این نیست که موضوع غنا و موسیقی محور تبویب قرار گیرد و با کنکاش در ابعاد آن، روایات دسته‌بندی شوند. تقسیم‌بندی پیش‌رو، همان رویکردی است که بسیاری از فقها آن را مبنا قرار داده‌اند یا دست‌کم به آن نزدیک‌اند.



تبویبی نو بر اساس نگاه موضوع محور

مسألهٔ غنا و موسیقی مسأله ای نیست که صرفا امری فردی باشد و به صرف خواندن یا نواختن موسیقی یک فرد برای خودش یا گوش دادن فردی به آن خلاصه شود؛ بلکه ابعاد گستردهٔ

اجتماعی دارد؛ با توجه به روایاتی که در این موضوع وارد شده است و با مطالعه شرایط اجتماعی عصری که این روایات در آن عصر صادر شده است به وضوح مشاهده می‌کنیم که روایات این مسأله کاملا رویکردی اجتماعی دارد؛ لذا ضروری است در بررسی این ادله و استنباط حکم از این منبع این رویکرد لحاظ گردد. برای روشن شدن هر چه بیشتر این مسأله لازم است مروری گذرا به شرایط عصر صدور این روایات داشته باشیم.

با تشکیل جامعه اسلامی به‌دست پیامبر اکرم (ص)، ساختار اجتماعی بر پایه اصول الهی، معنویت و اخلاق سامان گرفت و ارزش‌هایی چون عدالت، تقوا و ساده‌زیستی در جامعه نهادینه شد. خلفای نخستین نیز ضمن حفظ ظاهر دینی، کوشیدند تا از بروز مفاسد اجتماعی و اخلاقی جلوگیری کنند. با این حال، از حدود سال ۳۰ هجری و به‌ویژه در نیمه دوم خلافت عثمان، نشانه‌هایی از انحطاط اخلاقی و فساد مالی در میان مسلمانان ظاهر شد. طبقه اشراف قریش با استفاده از اموال عمومی به ثروت‌اندوزی، تجمل‌گرایی و رفاه‌طلبی روی آوردند و به تدریج مظاهر لهو و خوش‌گذرانی در جامعه گسترش یافت(سبحانی تبریزی و پیشوایی، ۱۳۹۷، ص ۲۷۶).

در دوران حکومت بنی‌امیه، به‌ویژه از زمان خلافت یزید بن معاویه، مفاسد اجتماعی ابعاد گسترده‌تری یافت. رفتار خلفا و اطرافیان آن‌ها نه‌تنها زمینه‌ساز انحرافات اخلاقی بود، بلکه با الگوسازی فرهنگی، این مفاسد را در جامعه نهادینه کرد. غنا و موسیقی که در ابتدا به مجالس اشراف محدود بود، به‌مرور در میان دیگر اقشار جامعه نیز رواج یافت. شهر مدینه که زمانی مرکز علم، زهد و دیانت بود، به یکی از کانون‌های اصلی غنا و مجالس لهو تبدیل شد و فضای فرهنگی آن به‌شدت تحت تأثیر موسیقی قرار گرفت (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۶۷).

در این بستر اجتماعی، غنا و موسیقی از سطح یک فعالیت تفریحی یا ذوقی فراتر رفت و به یک شبکه اقتصادی ساختاریافته بدل شد. این شبکه با حمایت خلفا و اشراف، به یکی از راه‌های سودآور برای طبقه ثروتمند جامعه تبدیل گردید. خوانندگی و نوازندگی به صنعتی درآمدزا مبدل شد. از این رو اموری همچون آموزش، خرید و فروش، اجاره کنیزان آوازه‌خوان رواج زیادی پیدا کرد. در برخی شهرها و مخصوصاً شهرهای بزرگ مانند مدینه، مراکزی به نام «**بیت الغناء**» وجود داشت که کنیزان خواننده در آن آواز می‌خواندند و موسیقی می‌نواختند (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ص ۱۳۶). خوانندگان ماهر جایگاهی ویژه در

مهمانی‌ها و محافل اشرافی پیدا کردند و این باعث شد تا دلالی، واسطه‌گری و اجاره کنیزان آوازه‌خوان یکی از شغل‌های آن دوره شود.[1]

همچنین، بررسی منابع تاریخی و روایات نشان می‌دهد که در این مجالس، مظاهر مختلف فساد از جمله شراب‌نوشی، قمار، اختلاط زن و مرد و روابط غیرشرعی وجود داشت. چنین ترکیبی از لهو و طرب، نشان‌دهنده پیوند ساختاری میان غنا و سایر مفاسد اخلاقی در بستر فرهنگی و اجتماعی آن دوران است. از این‌رو، غنا تنها یک ابزار سرگرمی نبود، بلکه در نظام سیاسی و اقتصادی خلافت اموی و عباسی به عاملی مؤثر در ترویج فساد اجتماعی بدل شد و به‌عنوان یکی از مظاهر انحطاط فرهنگی آن عصر شناخته می‌شود.

بازبینی روایات با توجه به شرایط اجتماعی زمان صدور

با در نظر گرفتن آنچه از شرایط فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی عصر صدور ادلهٔ غنا و موسیقی بیان شد، اگر روایات این باب را مورد بازبینی قرار دهیم می توانیم با رویکرد دیگری آن ها را دسته بندی نماییم. در ادامه به نمونه ای از این تبویب جدید اشاره می کنیم.

روایات با محوریت ابعاد اقتصادی غنا و موسیقی

در میان روایات مرتبط با مسئلهٔ غنا و موسیقی، بخشی از این روایات به ابعاد اقتصادی این پدیده اختصاص دارد. تأمل در مضمون این دسته از روایات نشان می‌دهد که تمرکز اصلی آن‌ها بر عنوان «مُغَنِّیَة» (کنیز آوازه‌خوان) است، نه بر مفهوم غنا به صورت کلی و مطلق. با توجه به توضیحاتی دربارهٔ شرایط فرهنگی و اقتصادی عصر صدور روایات بیان شد علت این تمرکز بر «مغنیة» بهتر فهمیده می‌شود. مسألهٔ آموزش، اجاره و خرید و فروش کنیزان آوازخوان به اندازه‌ای فراگیر بود که حتی برخی از علاقه‌مندان به اهل بیت (ع) نیز به این فساد اجتماعی دچار شده بودند؛ مانند فردی که درآمد حاصل از فروش کنیزان خواننده‌اش را خدمت امام معصوم (ع) ارسال می‌کند، اما امام از پذیرش آن امتناع می‌ورزد(کلینی، ۱۳۶۳، ج ۵، ص ۱۲۰).

---

۱. در کتاب «الاغانی» ابوالفرج اصفهانی نقل‌های متعددی وجود دارد که بر وجود این شبکه اقتصادی و فرهنگی فاسد در مسألهٔ غنا و موسیقی دلالت دارد؛ ر. ک ج۱، ص۷۰ / ج۷، ص۲۱۷ / ج۸، ص۳۵۹ / ج۱۰، ص۳۱٦ / ج۱۳، ص۱٦۱ / ج۱۳، ص۲۰۸ / ج۱۹، ص۱۹۹ / ج۲۰، ص٤٤۱ / ج۲۰، ص٤۷۲ / ج۲۱، ص٤۰ / ج۲۳، ص۹۷ / ج۲۳، ص۱٤۲

بر این اساس، می‌توان روایات ناظر به ابعاد اقتصادی غنا را در سه باب دسته‌بندی کرد:

آموزش دادن خوانندگی به کنیزان

یکی از اموری که در روایات به شدت نهی شده است آموزش دادن آوازخوانی به کنیزان است. در دو روایت این باب که از امام صادق و امام کاظم علیهما السلام نقل شده است تعبیر «**وَ تَغْلِيمَهُنَّ كُفْرٌ**» به کار رفته است(کلینی، ج ۵، ص ۱۲۰).

کسب و درآمد حاصل از اجاره دادن کنیزان خواننده

دسته دیگر روایاتی هستند که از اجاره دادن کنیزان برای خوانندگی و کسب درآمد از این راه نهی کرده‌اند. در یکی از این روایات اینچنین آمده است: «**سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلاَمُ يَقُولُ: الْمُغَنِّيَةُ مَلْعُونَةٌ، مَلْعُونٌ مَنْ أَكَلَ كَسْبَهَا**(کلینی، ج ۵، ص ۱۲۰).

خرید و فروش کنیزان خواننده

روایات متعددی نقل شده است که خرید و فروش مغنیه را حرام می‌داند و درآمد حاصل از فروش آن را «سحت» و حرام شمرده است؛ بیان شد که این فساد اجتماعی تا حدی رایج بود که حتی برخی از دوستداران ائمه (ع) نیز به آن دچار شده بودند؛ لذا وقتی مال حاصل از فروش کنیزان خواننده خدمت امام کاظم (ع) آورده شد حضرت فرمودند: «**لاَ حَاجَةَ لِي فِيهِ إِنَّ هَذَا سُحْتٌ**» *(همان)* و هنگامی که یکی از شیعیان در زمان غیبت صغری چنین مالی را خدمت امام زمان (ع) ارسال کردند حضرت نپذیرفتند و فرمودند: « **فَلاَ قَبُولَ عِنْدَنَا إِلاَّ لِمَا طَابَ وَ طَهُرَ وَ ثَمَنُ اَلْمُغَنِّيَةِ حَرَامٌ**« (ابن‌بابویه، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۸۳).

روایات با محوریت ابعاد اخلاقی و فرهنگی غنا و موسیقی

سودآوری اقتصادی عرصه غنا و موسیقی در آن دوره، بیش از آنکه ریشه در ارزش هنری داشته باشد، محصول مستقیم انحطاط اخلاقی رایج در جامعه بود. به عبارت دیگر، تقاضای گسترده برای آواز و موسیقی نه به دلیل علاقه‌مندی به این هنر، بلکه به سبب آن بود که موسیقی به یکی از

اجزای اساسی و جدایی‌ناپذیر مجالس لهو و گناه تبدیل شده بود. اگر با در نظر گرفتن این شرایط به روایات نظر کنیم مشاهده می‌کنیم که روایات کاملاً ناظر به این واقعیت اجتماعی بوده‌اند؛ در این بخش می‌توانیم روایات را در چند بخش دسته‌بندی کنیم:

نهی از غنا در کنار نهی از سایر ابزار لهو

روایات اصلی مرتبط با مسئلهٔ «غنا» عمدتاً در ذیل آیات قرآن کریم مطرح شده‌اند. بررسی این روایات نشان می‌دهد که در بسیاری از آن‌ها، مفهوم «غنا» به‌صورت مستقل و منفک از سایر عوامل موضوعیت ندارد؛ بلکه در کنار ابزار و امور لهوی دیگر مورد اشاره قرار گرفته است. افزون بر این، در سایر روایات نیز مشاهده می‌شود که ائمهٔ معصومین (علیهم‌السلام) امور لهوی رایج در آن عصر را در کنار یکدیگر ذکر نموده و از آن‌ها نهی فرموده‌اند. حتی در روایاتی که به نهی از استفاده از ابزار موسیقی پرداخته‌اند، این همراهی و ارتباط با سایر ابزار لهو و گناهان دیگر مشهود است. لذا در روایات متعددی در تفسیر آیهٔ شریفهٔ «**فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَ اجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ**» (قرآن، ۲۲: ۳۰) فرمودند: « **الرِّجْسُ مِنَ الْأَوْثَانِ الشِّطْرَنْجُ وَ قَوْلُ الزُّورِ الْغِنَاءُ**» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۶، ص ۴۳۵).

بیت الغناء و مجلس الغناء

دسته‌ای دیگر از روایات این باب، دربارهٔ مکان‌هایی است که در آن‌ها کنیزان خواننده به اجرای آواز می‌پرداختند و افراد برای شنیدن غنا و موسیقی، قماربازی، نوشیدن شراب و عیش و نوش به آنجا مراجعه می‌کردند. در آن دوران، برخی مکان‌ها به‌صورت ویژه به این امور اختصاص داشت که به «بیت‌الغناء» معروف بودند. علاوه بر این، برخی افراد در منازل خود نیز چنین مجالسی برگزار می‌کردند. در نقل‌های تاریخی مواردی ذکر شده است که حتی دو دوست، در مهمانی دوستانه و خصوصی خود، برای تفریح و خوشگذرانی، از مغنیه‌ها جهت اجرای آواز استفاده می‌کردند.

در منابع روایی، هم حضور در «بیت‌الغناء» و هم مشارکت در مجالس غنا به شدت نهی شده است. به عنوان نمونه، امام صادق (علیه‌السلام) در این‌باره می‌فرمایند: «**بَيْتُ الْغِنَاءِ لاَ تُؤْمَنُ فِيهِ الْفَجِيعَةُ وَ لاَ تُجَابُ فِيهِ الدَّعْوَةُ وَ لاَ يَدْخُلُهُ الْمَلَكُ**» (کلینی، ص ۴۳۳)

همچنین در حدیث دیگری از ایشان نقل شده است:

«**الْغِنَاءُ مَجْلِسٌ لاَ يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَى أَهْلِهِ**» (کلینی، ص ۴۳۳)

گوش‌دادن به غنا

دسته دیگری از روایات این باب، به موضوع «استماع غنا» اختصاص دارد. مفهوم «استماع» اعم از «حضور در مجلس غنا» است و شامل شنیدن صدای آن بدون شرکت فیزیکی در مجلس نیز می‌شود. برخی روایات نشان می‌دهند که این دسته از احادیث، دقیقاً بر حالت دوم، یعنی شنیدن صدای غنا بدون حضور در مجلس، اشاره دارد؛ زیرا حرمت شرکت در مجالس غنا که همراه با دیگر گناهان بود، امری واضح و صریحاً در روایات دیگر بیان شده بود. با توجه به شرایط اجتماعی آن دوره صدای موسیقی و آواز کنیزان از خانه‌های متعدد به گوش رهگذران و همسایگان می‌رسید. به‌عنوان نمونه، در روایتی آمده است که فردی به امام صادق(ع) عرض کرد: همسایه ما کنیزان آوازخوان دارد و من هنگام استفاده از دستشویی عمداً توقف می‌کنم تا صدای آن‌ها را بشنوم. حضرت به صراحت از این عمل نهی کرده و فرمودند: «**لاتفعل**». (کلینی، ص۴۳۲)

موارد فوق نمونه‌ای از دسته‌بندی روایات این باب با رویکردی موضوع شناسانه بود؛ همانطور که مشاهده شد در همهٔ این موارد، غنا و موسیقی تنها به عنوان صوتی با ویژگی‌های خاص که مکلف با آن مواجه است مطرح نشده است؛ بلکه این صوت در متن جامعه شرایط و ویژگی‌های خاصی پیدا کرده است و روایات ناظر به این شبکهٔ اجتماعی است که این صوت خاص تنها بخشی از آن شبکهٔ به هم پیوستهٔ چند وجهی است.

ایدهٔ پشتیبان فقهی برای حل مسألهٔ اجتماعی غنا و موسیقی

براساس بازخوانی موضوع‌محور روایات در بخش پیشین، صورتبندی جدیدی از موضوع حکم شرعی به دست آمد: **موضوع حرمت در روایات، «صوت در بستر اجتماعی»**

است، نه صرفاً صوت با ویژگی‌های خاصی مانند ترجیع و طرب. روایات، غنا را در شبکه‌ای از مفاسد اقتصادی (آموزش، خرید و فروش و اجارهٔ کنیزان خواننده)، فرهنگی (مجالس لهو، ترویج ابتذال) و اخلاقی (شراب‌خواری، قمار، اختلاط نامحرم) دیده و از آن نهی کرده‌اند. بنابراین، «بستر اجتماعی» جزئی از موضوع حکم است، نه امری خارج از آن. این صورتبندی، برخلاف رویکرد سنّتی که موضوع را یک صوت مجرد می‌دید، ظرفیت لازم برای امتداد در عرصهٔ حکمرانی را فراهم می‌سازد. در ادامه، نسبت این ایده با دیدگاه فقهی مقام معظم رهبری دربارهٔ غنا و موسیقی تبیین می‌شود.

با تتبع در کتب فقهی متقدمان مشاهده می‌شود که آنان هیچ‌گونه بحث موضوعی دربارهٔ غنا مطرح نکرده‌اند؛ یعنی تعریف و تحدیدی از این مفهوم در آثارشان به چشم نمی‌خورد. گویا از جهت مفهومی، ابهامی در موضوع حکم شرعی وجود نداشته و حرمت غنا امری مسلّم تلقی می‌شده است. شیخ صدوق در «المقنع» و «من لایحضره الفقیه»، حرمت غنا و کسب مغنّیه را ذیل کتاب الحدود و در کنار «شرب الخمر» بیان کرده است. شیخ مفید در «المقنعه» تنها در «باب المکاسب» به آن اشاره می‌کند و شیخ طوسی در «المبسوط» آن را ذیل «فیمن تقبل شهادته و من لا تقبل» مطرح می‌نماید (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۸، ص ۲۲۳). مواجههٔ فقهای متقدم چنین بوده که گویا حرمت غنا امری مسلّم است؛ ازاین‌رو، تنها به آثار آن مانند فسق مغنّی و مستمع، عدم قبول شهادت، و حرمت کسب پرداخته‌اند.

به نظر می‌رسد نخستین تعریف فقهی از غنا را محقق حلّی در شرائع الإسلام ارائه داده است: «مدّ الصوت المشتمل علی الترجیع المطرب» (محقق حلّی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۱۱۷). این تعریف ـ که برگرفته از توضیحات لغویون است (نجفی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۶۷) ـ جهت‌گیری اصلی فقهای بعدی را تعیین کرد. علامه حلّی در تحریر (۱۴۲۰، ج ۵، ص ۲۵۱) و ارشاد (۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۵۶) همان تعریف را پذیرفت، اما در قواعد (۱۴۱۳، ج ۳، ص ۴۹۵) و تلخیص المرام (۱۴۲۱، ج ۱، ص ۳۱۱) قید «مطرب» را حذف کرد. شهید اول (۱۴۳۰، ج ۱۰، ص ۱۰۰) و محقق کرکی (۱۴۱۴، ج ۴، ص ۲۳) هر دو قید «ترجیع» و «طرب» را معتبر دانستند، اما شهید ثانی، محقق اردبیلی و محدث بحرانی تشخیص غنا را به عرف واگذار کردند (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۱۲۶؛ اردبیلی، بی‌تا، ج ۸، ص۵۷؛ بحرانی، ۱۳۶۳، ج. ۱۸، ص. ۱۰۱). نکتهٔ مهم آن است رویکرد بسیاری از فقها در

بررسی فقهی این مسأله، همان‌گونه است که در موضوعاتی چون «آب» استنباط صورت می‌گیرد؛ یعنی موضوع را به‌عنوان یک شیء معین خارجی در نظر می‌گیرند و با مراجعه به ادله، درصدد به‌دست‌آوردن حکم آن برمی‌آیند. لذا، غنا را صوتی دانسته‌اند که دارای ویژگی‌های خاصی است و این صوت را موضوع ادله قرار داده‌اند؛ در حالی که مسألهٔ غنا، موضوعی اجتماعی است.

البته در همین نگاه تک بعدی و غیر اجتماعی نیز غنا به‌عنوان فصلی مستقل در کتب فقهی مورد توجه قرار نگرفت و همچنان در ذیل مباحث مکاسب محرّمه، یا کتاب الحدود، یا کتاب الشهادات به آن پرداخته شد. اگرچه از قرن یازدهم به بعد، فقهای متعددی در مسئلهٔ غنا و موسیقی رساله‌های مستقلی نگاشته‌اند، ولی همچنان این مسئله در کتب فقهی در فصلی مستقل مطرح نمی‌شود و از جهت تبویب فقهی، همان روش فقهای متقدّم ادامه یافته است(برای نمونه، رجوع کنید به مختاری، ۱۳۸۷).

مقام معظم رهبری در بررسی این مسئله، رویکردی متمایز و نظام‌مند اتخاذ کرده‌اند. ایشان ابتدا به تحلیل روایات و قرائن صدوری آن‌ها می‌پردازند و نشان می‌دهند حرمت غنا یا آلات موسیقی به صورت مطلق از ادله قابل اثبات نیست. تنها دو روایت ـ «ابوربیع شامی» و «صحیحهٔ علی بن جعفر» ـ ظهور در اطلاق دارند که آن‌ها نیز باید بر روایات مقیَّد حمل شوند. قرینهٔ کلیدی در فهم این روایات آن است که در عصر صدور، آلات موسیقی تقریباً منحصراً در زمینه‌های فساد و لهو به کار می‌رفتند و کاربردهای مشروعی که امروزه متصوَّر است، رایج نبوده است. این واقعیت تاریخی که با بررسی فضای دوران خلفا به دست می‌آید، در کیفیت پرسش و پاسخ میان امام و راوی تأثیرگذار بوده است (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ص ۴۰۳). بنابراین، آنچه از بررسی قرائن صدوری به دست می‌آید این است که روایات، حکم غنا و موسیقی را در بستر شرایط خاص آن دوره بیان کرده‌اند، نه به نحو مطلق و فارغ از زمینه‌های اجتماعی.

با در نظر گرفتن این نکته، در گام بعد باید روشن شود که «غنا» در روایات دقیقاً ناظر به چیست. ازاین‌رو، رهبر شهید آیت‌الله امام خامنه‌ای(اعلی‌الله‌مقامه‌الشریف) به بررسی دیدگاه‌های فقها در تعریف لفظ «غنا» می‌پردازند. ایشان با تحلیل دقیق تعاریف لغویان و فقها به این نتیجه می‌رسند که واژهٔ «غناء» در زبان عرب دو کاربرد متمایز دارد:

معنای عام غنا عبارت است از هر صدایی که با کشش، ترجیع و آراستن (تطریب) از حنجره انسان خارج شود. این تعریف گسترده، همه صداهایی را در بر می‌گیرد که با این ویژگی‌ها تولید می‌شوند؛ چه در قرائت قرآن و اذان متعارف، چه در مرثیه‌خوانی‌های مذهبی، و چه در آوازخوانی خوانندگان. معنای خاص (عرفی) غنا همان آوازخوانی شناخته‌شده و متداول در میان مردم است که در فرهنگ‌های گوناگون نام‌های خاصی دارد. رابطهٔ این دو معنا، عموم و خصوص مطلق است: هر غنای عرفی داخل در معنای عام است، اما نه برعکس (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ص ۱۹۵).

نکتهٔ اساسی در تحلیل ایشان آن است که تعاریف اهل لغت ـ مانند کشش و ترجیع صدا ـ به معنای عام غنا ناظر است، نه معنای عرفی آن. درحالی‌که آنچه در روایات مورد سؤال و حکم قرار گرفته، غنای متعارف و شناخته‌شده در میان مردم است، نه هر نوع صدای آهنگین. بنابراین، تعاریف لغوی که فقها مبنای تعریف خود قرار داده‌اند، بر موضوع ادلهٔ شرعی منطبق نیست.

پس از تبیین معنای عرفی غنا به عنوان موضوع ادله، ایشان در گام نهایی به این نتیجه می‌رسند که ادله اطلاق ندارند و حرمت آواز به صورت مطلق از ادله ثابت نمی‌شود. بلکه با توجه به روایاتی که در ذیل آیهٔ «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهوَ الحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ» (لقمان: ۶) وارد شده و نیز شرایط عصر صدور، آواز تنها زمانی حرام می‌شود که «مُضِلّ عن سبیل الله» و مشتمل بر باطل باشد (خامنه‌ای، ص ۲۵۵).

در اینجاست که پیوند میان بازخوانی موضوع‌محور روایات و دیدگاه مقام معظم رهبری آشکار می‌شود. این «اضلال» دقیقاً همان بستر اجتماعی فاسدی است که در بخش پیشین از دل روایات استخراج شد. روایات، غنا را در شبکه‌ای از مفاسد اقتصادی (کنیزان خواننده)، فرهنگی (مجالس لهو، ترویج ابتذال) و اخلاقی (شراب‌خواری، قمار، اختلاط نامحرم) دیده‌اند ـ و مجموعهٔ این ابعاد، مصداق عینی «اضلال عن سبیل الله» هستند. خود ایشان نیز تصریح می‌کنند که منشأ اضلال ممکن است «محتوای آواز، سبک اجرای آن، یا شرایط و ویژگی‌های محیطی باشد» (خامنه‌ای، ص ۲۵۰). «شرایط محیطی» همان بستر اجتماعی با ابعاد گوناگون فرهنگی، اقتصادی و اخلاقی است که یک صوت در آن تحقق می‌یابد.

بر این اساس، دیدگاه کسانی که حرمت غنا را به مقارنات نسبت می‌دهند، اگر مرادشان آن باشد که این مقارنات سبب می‌شوند غنا ماهیت «مُضِلّ» پیدا کند و به حیث تعلیلی موجب حرمت

گردد، دیدگاه صحیحی است؛ اما اگر مقصود آن باشد که غنا فی‌نفسه حرام نیست و تنها مقارنات حرام‌اند، این برداشت نادرست است (خامنه‌ای، ص ۲۵۷). حرمت مطرح‌شده در روایات، ناظر به خود غناست ـ غنایی که به هر دلیلی، از جمله به سبب مقارنات و بستر اجتماعی‌اش، موجب اضلال می‌شود.

بدین‌ترتیب، موضوع حکم شرعی در باب غنا، «صوت در بستر اجتماعی» است، نه صرفاً یک صوت مجرد با ویژگی‌های خاص. در عصر صدور، این صوت همواره در بستر مجالس لهو، شبکهٔ اقتصادی کنیزان خواننده، و مفاسد اخلاقی تحقق می‌یافت و ازاین‌رو، مصداق «اضلال عن سبیل الله» بود. شارع مقدس با دیدن این شبکهٔ به هم‌پیوستهٔ چندوجهی، حکم به حرمت آن داده است. پیامد منطقی این صورتبندی آن است که یک صوت یکسان می‌تواند در بسترهای اجتماعی گوناگون، احکام متفاوتی بیابد.

عرصه‌های آواز و آهنگ در عصر حاضر

در عصر صدور روایات، غنا و موسیقی پدیده‌ای بود که تقریباً منحصراً در بستر مجالس لهو، بیت‌الغناء، بزم‌های اشرافی و محافلی که با شراب‌خواری، قمار و اختلاط نامحرم همراه بود، تحقق می‌یافت. استفاده‌های مشروع از آن بسیار محدود و در حد مراسم‌هایی چون عروسی، عزاداری یا آواز حداء بود. حتی جلساتی که صرفاً برای نمایش مهارت‌های هنری برگزار می‌شد نیز اغلب با مفاسد اخلاقی آمیخته بود و اشعار خوانده شده حاوی مفاهیم فاسد بودند (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۳۵۹). در سده‌های بعد نیز این روند تغییر چندانی نکرد و موسیقی همچنان در همان قالب‌های سنتی و اغلب در پیوند با لهو و فساد باقی ماند.

با پیشرفت فناوری و دسترسی عمومی، عرصه‌ها و اهداف استفاده از موسیقی بسیار متنوع و گسترده شده است و دیگر محدود به قالب‌های سنتی گذشته نیست، بلکه ابعاد تازه‌ای یافته که نیازمند بررسی و تبیین جدید فقهی و فرهنگی است. با گسترش جریان فرهنگی مغرب زمین که به ضمیمه انتقال تکنولوژی در سراسر جهان گسترش یافت، قالب‌های جدیدی در عرصه غنا و موسیقی در جهان شکل گرفت و در کشور ما نیز گسترش یافت.

برای درک گستردگی این پدیده، کافی است به تنوع عرصه‌های حضور آن توجه کنیم. موسیقی امروز در قالب آلبوم‌ها و تک‌آهنگ‌های فیزیکی و آنلاین، موزیک ویدئوها، کنسرت‌ها و اجراهای زنده، و نیز به عنوان موسیقی متن فیلم‌ها، سریال‌ها، مستندها، انیمیشن‌ها، تئاترها و بازی‌های ویدیویی حضور دارد. همزمان، در عرصه‌های رسمی و ملی، سرودهای ملی، انقلابی، مارش‌های نظامی، و موسیقی جشن‌ها و مراسم رسمی به کار می‌رود. در حوزهٔ آموزش نیز موسیقی در یادگیری زبان‌های خارجی، آموزش مفاهیم به کودکان، کتاب‌های صوتی و داستان‌گویی به کار گرفته می‌شود. در فضای رسانه‌ای، آهنگ‌های تیتراژ، موسیقی پس‌زمینهٔ برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی، پادکست‌ها، و آرم‌های صوتی برندها را می‌بینیم. حتی در زندگی روزمره، زنگ تلفن‌ها، آلارم‌ها، صدای اعلان‌ها، موسیقی رابط کاربری اپلیکیشن‌ها، موسیقی پس‌زمینه در فروشگاه‌ها، رستوران‌ها، هتل‌ها، وسایل حمل‌ونقل عمومی، و اسباب‌بازی‌ها – همه و همه– نشان از نفوذ گستردهٔ این پدیده در زندگی انسان معاصر دارد.

این گستردگی، ابعاد اجتماعی مسئله را کاملاً دگرگون کرده است. از یک سو، موسیقی می‌تواند در بستری سالم، کارکردهایی مثبت بیابد؛ از سوی دیگر، همین پدیده در بستری فاسد می‌تواند به ابزاری برای ترویج ابتذال اخلاقی، شکل‌دهی به خرده‌فرهنگ‌های معارض با ارزش‌های دینی، ایجاد جریان‌های مالی ناسالم، و حتی تهدید امنیت فرهنگی و اجتماعی تبدیل شود. از این رو نمی‌توانیم الگوی حکمرانی را به گونه‌ای طراحی کنیم که به حذف کامل آن منجر شود و تنها ایدهٔ فقهی که قابلیت دارد تا در فرآیند حکمرانی آواز و موسیقی امتداد بیابد ایدهٔ فقهی مقام معظم رهبری است.

برای تبیین بیشتر، در ادامه، همین صورتبندی را بر یکی از عرصه‌های پرمخاطب موسیقی امروز –یعنی «کنسرت» – تطبیق می‌دهیم تا نشان دهیم چگونه یک قالب یکسان می‌تواند در بسترهای مختلف، احکام و کارکردهای کاملاً متفاوتی بیابد. بدیهی است که این تطبیق، صرفاً نمونه‌ای از نحوهٔ امتداد ایدهٔ فقهی در عرصهٔ حکمرانی است و طراحی کامل الگو، نیازمند طی مراحل چندگانهٔ دیگری است.

نگاهی اجمالی به مقولهٔ «کنسرت»

کنسرت به شکل امروزی آن، پدیده‌ای نسبتاً متأخر در تاریخ موسیقی است. در اعصار گذشته، موسیقی کمتر به‌عنوان یک هنر مستقل دیده می‌شد و اغلب نقشی فرعی و وابسته به اهداف دیگر داشت: در مجالس بزم و شادی تمدن‌های باستان، در مراسم کلیسایی قرون وسطی، یا در بزم‌های اشرافی دربارها. از حدود قرن شانزدهم به بعد، موسیقی هویتی مستقل پیدا کرد و این تحول، زمینه را برای پیدایش «کنسرت» فراهم ساخت: رویدادی که در آن، موسیقی از عنصری حاشیه‌ای به «موضوع اصلی» تبدیل می‌شود. رشد طبقهٔ متوسط در اروپای قرن هجدهم و نوزدهم، تقاضا برای سرگرمی‌های عمومی را افزایش داد و موسیقی را از انحصار دربار و کلیسا خارج کرد. در قرن بیستم نیز فناوری‌های نوین، کنسرت‌ها را از رویدادهایی محلی به پدیده‌هایی جهانی با مخاطبان میلیونی بدل ساخت.

در ایران، کنسرت به‌عنوان پدیده‌ای برگرفته از غرب، پس از دوران مشروطه پدیدار شد. نخستین کنسرت‌ها اغلب حرکتی آگاهانه با اهداف سیاسی و اجتماعی بودند؛ برای نمونه، عارف قزوینی از کنسرت به‌عنوان تریبونی برای بیان افکار آزادی‌خواهانه استفاده می‌کرد (میثمی، ۱۳۹۴). در آن دوره، کنسرت در خدمت روشنفکران مشروطه برای شکل‌دهی به افکار عمومی و آگاهی ملی قرار گرفت. اما در دوره پهلوی، با حمایت دولت، محتوای کنسرت‌ها بیشتر با سیاست‌های رسمی همسو شد.

پس از انقلاب اسلامی، موسیقی ایران وارد دوران توقف و بازنگری شد و برگزاری کنسرت برای مدتی متوقف ماند. از اواخر دهه شصت، این فضا به‌تدریج و با احتیاط بازگشایی شد و از اواخر دهه هفتاد به بعد، کنسرت‌ها به بخشی جدایی‌ناپذیر از صنعت موسیقی کشور تبدیل گشتند.

بررسی تاریخچهٔ این پدیدهٔ اجتماعی از آن جهت مهم است که به شناخت بستر اجتماعی آن کمک می‌کند. با نگاهی به روند شکل‌گیری کنسرت، می‌یابیم که این پدیده یک فرم اجرایی است که می‌تواند محتواها و کارکردهای کاملاً متفاوتی به خود بگیرد. همان‌گونه که یک صوت واحد می‌تواند در بسترهای گوناگون، احکام متفاوتی بیابد، قالب کنسرت نیز می‌تواند در بستر لهو و فساد، مصداق «اضلال عن سبیل الله» باشد، و در بستر اهداف متعالی، به رویدادی کاملاً مشروع و حتی مطلوب تبدیل شود.

مقام معظم رهبری با اشاره به ظرفیت دوگانهٔ کنسرت‌ها تصریح می‌کنند که حتی در غرب نیز «از دیرباز موسیقی‌های آموزنده و معنادار هم بوده است؛ موسیقی‌ای که برای گوش‌سپردن به آن، انسان عارف واقف خردمند، می‌تواند بلیت تهیه کند، در سالن اجرای کنسرت بنشیند و ساعتی از آن لذت ببرد.» ایشان می‌افزایند که «در غرب موسیقی‌هایی که گاهی یک ملت را نجات داده و گاهی یک مجموعه فکری را به سمت صحیح هدایت کرده، کم نبوده است» (خامنه‌ای، ۱۳۷۷).

ایشان دربارهٔ ارزشمند بودن موسیقی پاک و مقدس و چند وجهی بودن بسترهایی مانند کنسرت می‌فرمایند:

«حرف من با شما موسیقی دان ها این است که موسیقی را به سمت معنا و هدف های متعالی ببرید؛ هدف‌هایی فراتر از هدف عیاشی فلان عاشق کذایی که بهمان معشوقه کذایی او را دوست می داشته و چون مورد بی اعتنایی وی قرار گرفته و دلش شکسته است، می‌خواهد پای فلان ساز بنشیند و بر اثر آهنگ و ترانه سوزناک، اشکی از ره فراق بریزد! چنین هدفی در استعمال موسیقی، ارزشمند نیست. چه ارزشی دارد که به خواهش دل یک نفر، بسازند و بخوانند و بنوازند و آن اندیشه ریاضی و محاسبه علمی و منطقی را که اعتبار موسیقی است، چنین خوار و ذلیل کنند! ارزش و هدف و تعالی در موسیقی، این نیست. موسیقی متعالی، موسیقی‌ای است که برای هدف متعالی باشد. اگر چنین باشد، آن وقت می‌شود موسیقی را پاک و مقدس نامید؛ آن وقت می‌شود ما هم مثل غربی‌ها کنسرتی داشته باشیم (عنوانش را مثلاً «محفل خوانندگی» بگذاریم تا اصطلاح غربی به کار نبرده باشیم) تا مردم اعم از معمولی و متدین، بلیت تهیه کنند و برای شنیدن ساز و آواز شما، به آن محفل بیایند.» (خامنه‌ای، ۱۳۷۷)

با وجود این ظرفیت‌ها، وضعیت کنونی کنسرت‌ها در کشور مطلوب نیست. به دلیل فقدان سیاست‌گذاری مبتنی بر ایدهٔ فقهی صحیح، بخش قابل‌توجهی از پربیننده‌ترین کنسرت‌ها فاقد معیارهای شرعی و فرهنگی‌اند. این نابسامانی، نه از ذات کنسرت، بلکه از خلأ حکمرانی در این عرصه ناشی می‌شود. مقام معظم رهبری دلیل مخالفت کنونی با ترویج موسیقی را غلبهٔ استفاده‌های غیرشرعی بر استفاده‌های صحیح می‌دانند و می‌فرمایند:

«اگر یک روزی به جایی رسیدیم که مطلقاً موسیقی حرام در جامعه وجود نداشت... آن وقت بگوییم: آموزشگاه هم تشکیل بدهند، نمایشگاه هم تشکیل بدهند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ص ۴۸۹).

این بیان نشان می‌دهد که مسئله، اصل قالب کنسرت نیست، بلکه بستر اجتماعی و محتوای حاکم بر آن است.

جمع‌بندی

مسئلهٔ غنا و موسیقی، موضوعی است که فقدان الگوی حکمرانی در آن موجب چالش‌های گوناگونی شده است؛ یکی از عوامل نبود الگوی حکمرانی، ابهامی است که از جهت فقهی در این موضوع وجود دارد. این پدیده در سنت فقهی شیعه، برخلاف بسیاری از موضوعات دیگر، به‌عنوان فصلی مستقل نیز بررسی نشده و همواره در حاشیه مباحثی چون مکاسب محرّمه و کتاب الشهادات باقی مانده است.

هدف این مقاله بازتعریف فقهی غنا و موسیقی در افق حکمرانی اجتماعی است. در گام نخست نشان داده شد که در سنت فقهی شیعه، منابع و روش استنباط ثابت و تغییرناپذیرند و تنها عنصر متحول، «موضوع» است؛ اما موضوع‌شناسی سنتی که به جست‌وجوی معنای لغوی یا عرفی بسنده می‌کرد، برای مواجهه با پدیده‌ای اجتماعی و چندوجهی مانند موسیقی، ناکافی است. ازاین‌رو، با رویکردی موضوع‌محور و با لحاظ شرایط عصر صدور، روایات این باب بازخوانی شد.

بازخوانی روایات با این رویکرد نشان داد که برخلاف تبویب‌های رایج که روایات را ذیل عناوینی کلی و حکم‌محور دسته‌بندی کرده‌اند، می‌توان روایات را بر اساس ابعاد گوناگون خودِ موضوع تنظیم کرد: روایات ناظر به ابعاد اقتصادی (آموزش، خرید و فروش و اجارهٔ کنیزان خواننده)، روایات ناظر به ابعاد فرهنگی و اخلاقی (مجالس لهو، شراب‌خواری، قمار، اختلاط نامحرم)، و روایات ناظر به نهی از استماع. این تبویب نشان داد که روایات، غنا را در بستر اجتماعیِ آلوده به فساد دیده‌اند و آن را به‌عنوان جزئی از یک شبکهٔ به‌هم‌پیوستهٔ چندوجهی نکوهش کرده‌اند.

در گام بعد، این یافته در پرتو میراث فقهی و به ویژه دیدگاه مقام معظم رهبری تحلیل شد. ایشان با تفکیک «معنای عام لغوی» غنا از «معنای عرفی» آن، موضوع ادله را «آواز متعارف» می‌دانند و با تکیه بر قرائن صدوری، حرمت آن را منوط به قید «اضلال عن سبیل الله» می‌کنند. صورتبندی‌ای که این مقاله از پیوند میان این دو تحلیل ارائه داد، از این قرار است: موضوع حکم شرعی در باب غنا و موسیقی، «صوت در بستر اجتماعی» است، نه صرفاً یک صوت مجرد با ویژگی‌های خاص. قید «اضلال» در دیدگاه رهبری، دقیقاً ناظر به همین بستر اجتماعی و ابعاد گوناگون آن است: محتوای آواز، سبک اجرا، و شرایط محیطی.

نتیجهٔ این صورتبندی آن است که یک صوت یکسان می‌تواند در بسترهای اجتماعی گوناگون، احکام متفاوتی بیابد: از حرمت (در بستر فساد و اضلال) تا وجوب غیری (در بستر اهداف متعالی دینی)، با طیفی از اباحه و رجحان در میانه. بررسی عرصه‌های موسیقی در عصر حاضر و تحلیل موردی «کنسرت» نیز مؤید همین صورتبندی است: موسیقی امروز در همهٔ جنبه‌های زندگی نفوذ کرده و دیگر نمی‌توان با رویکرد حذفی با آن مواجه شد؛ بلکه آنچه ضرورت دارد، مدیریت بستر و محتوای آن بر اساس همین ایدهٔ فقهی است.

این صورتبندی، برخلاف رویکرد سنتی که موضوع را صرفاً یک صوت می‌دید و حکم آن را به‌صورت مطلق بررسی می‌کرد، ظرفیت لازم برای امتداد اجتماعی و طراحی الگوی حکمرانی موسیقی اسلامی را فراهم می‌سازد. بدیهی است که طراحی کامل این الگو، نیازمند طی مراحل تکمیلیِ دیگری ـ از جمله تلفیق این ایده با چارچوب‌های نظری حکمرانی دینی، شناخت دقیق‌تر شبکه مسائل با کمک متخصصان، و طراحی راهکارهای عملیاتی ـ است که مجال دیگری می‌طلبد.

Reference

1. Books

A) Persian and Arabic Sources [In Persian]

The Holy Quran[In Persian]

Abu al-Faraj al-Isfahani, Ali ibn al-Husayn (1994). *Al-Aghānī*. (Edited by the Research Bureau of Dar Ihya al-Turath al-Arabi), Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Persian]

Allameh Hali, Hasan bin Yusuf (Beta). Majma al-Fedat wa Al-Barhan in the description of guidance of the mind. (Ahmed bin Muhammad Muqaddis Ardabili, author; Alipanah Eshtherdi, Hossein Yazdi and Mojtabi Iraqi, proofreader), Qom: Est. [In Persian]

Allameh Hali, Hassan bin Yusuf (1410). Guidance of the mind to the rules of faith. (Persian Tabrizian, proofread), Qom: Al-Nashar Islamic Publishing House of Jama'at al-Mudrasin in Al-Hawza Al-Alamiya in Qom. [In Persian]

Allameh Hali, Hassan bin Yusuf (1413). Al-Ahkam rules. Qom: Al-Nashar al-Islami Foundation for the Jamaat al-Madrasin in Al-Hawza Al-Alamiya in Qom. [In Persian]

Allameh Hali, Hassan bin Yusuf (1414). Jami al-Maqasid in the explanation of the rules. (Ali bin Hossein Mohaqeq Karki, author; Al-Al-Bayt Foundation for Revival of Heritage, proofreader), Qom: Al-Al-Bayt Foundation for Revival of Heritage. [In Persian]

Allameh Hali, Hassan bin Yusuf (1420). Tahrir al-Ahkam Al-Shari'a Ali Madhhab al-Imamiya. (Jafar Sobhani Tabrizi and Ebrahim Bahadri, proofreader), Qom: Imam al-Sadiq Foundation, peace be upon him. [In Persian]

Bahrani, Yusuf ibn Ahmad (1363 SH). *Al-Ḥadāʾiq al-Nāḍirah fī Aḥkām al-ʿItrah al-Ṭāhirah*. (Edited by Abd al-Razzaq Muqarram, Abd al-Aziz Tabataba'i, and Muhammad Taqi Iravani), Qom: Islamic Publications Office of the Society of Seminary Teachers of Qom. [In Persian]

Bevir, Mark (1397 SH). *Governance: A Very Short Introduction*. Translated by Gholamreza Salimi and Davoud Karimipour, Tehran: National Defense University and Research Institute. [In Persian]

Committee on Contemporary Jurisprudence (2019). *Al-Fa'iq fi al-Usul*. Qom: Management Center of the Qom Seminary. [In Persian]

Farabi, Mohammad bin Mohammad and Azarnoosh, Azartash (2011). great music Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. [In Persian]

Hurr al-Amili, Muhammad ibn al-Hasan (1374 SH). *Wasāʾil al-Shīʿah*. (Mohammad Reza Hosseini Jalali and the Al-Bayt Institute for the Revival of Heritage, editors), Qom: Al-Bayt Institute for the Revival of Heritage. [In Persian]

Ibn Babawayh, Muhammad ibn Ali (1354 SH). *Kamāl al-Dīn wa Tamām al-Niʿmah*. (Edited by Ali-Akbar Ghaffari), Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Persian]

Ibn Babawayh, Muhammad ibn Ali (1363 SH). *Man Lā Yaḥḍuruhu al-Faqīh*. (Edited by Ali-Akbar Ghaffari), Qom: Islamic Publications Office of the Society of Seminary Teachers of Qom. [In Persian]

Ibn Babawayh, Muhammad ibn Ali (1373 SH). *Al-Muqniʿ*. (Edited by the Research Committee of the Imam al-Hadi Institute), Qom: Imam al-Hadi Institute. [In Persian]

Ibn Manzur, Muhammad ibn Mukarram (1414 AH). *Lisān al-ʿArab* (Vol. 15). Beirut: Dar Sader. [In Persian]

Jawhari, Isma'il ibn Hammad (1407 AH). *Al-Ṣiḥāḥ: Tāj al-Lughah wa Ṣiḥāḥ al-ʿArabiyyah* (Vol. 6). Beirut: Dar al-Ilm lil-Malayin. [In Persian]

Khamenei, Seyyed Ali (1377 [1998]). *Art from the Perspective of the Supreme Leader, Ayatollah Khamenei*. Tehran: Office for the Publication of Islamic Culture. [In Persian]

Khamenei, Seyyed Ali (1398 [2019]). *Ghinā' (Singing) and Music*. Tehran: Islamic Revolution Publications (Contemporary Jurisprudence Series). [In Persian]
Khamenei, Seyyed Ali (n.d.). *The Seminary and the Clergy*. (Compiled by the Islamic Revolution Cultural Research Institute), Qom: Islamic Revolution Cultural Research Institute. [In Persian]
Khomeini, Ruhollah (1378 [1999]). *Sahifeh-ye Imam: Collected Works of Imam Khomeini*. Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]
Khomeini, Ruhollah (1379a [2000]). *Kitāb al-Bayʿ* (The Book of Sale). (Edited by the Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works), Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]
Khomeini, Ruhollah (1379b [2000]). *Kitāb al-Ṭahārah* (The Book of Ritual Purity). Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]
Kulayni, Muhammad ibn Ya'qub (1363 SH). *Al-Kafi*. (Edited by 'Ali-Akbar Ghaffari and Muhammad Akhundi). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Persian]
Mas'udi, 'Ali ibn Husayn (1409 AH). *Muruj al-Dhahab wa Ma'adin al-Jawhar*. (Edited by Yusuf As'ad Daghir). Qom: Mu'assasat Dar al-Hijrah. [In Persian]
Mokhtari, Reza, and Sadeghi, Mohsen (1387 SH). *Ghina, Music* (Compiled/Edited by). Qom: Bustan-e Ketab Institute. [In Persian]
Mufid, Muhammad ibn Muhammad (1368 SH). *Al-Muqni'ah*. Qom: Islamic Publications Office of the Society of Seminary Teachers of Qom. [In Persian]
Muhaqqiq al-Hilli, Ja'far ibn Hasan (1408 AH). *Shara'i' al-Islam fi Masa'il al-Halal wa al-Haram*. (Edited by 'Abd al-Husayn Muhammad-'Ali Baqqal). Qom: Isma'iliyan. [In Persian]
Mutahhari, Murtada (1402 SH). *A Perspective on the Economic System of Islam*. Tehran: Sadra. [In Persian]
Najafi, Hadi (1387 SH). *Al-Ara' al-Fiqhiyyah*. Isfahan: Mehr-e Qa'im.
Oxford English Dictionary (1989). *Vol. 6* (2nd ed.). Oxford: Oxford University Press.
Shahid al-Awwal (The First Martyr), Muhammad ibn Makki (1430 AH). *Encyclopedia of Shahid al-Awwal*. Qom: Research Institute for Islamic Sciences and Culture (Center for the Revival of Islamic Works). [In Persian]
Shahid al-Thani (The Second Martyr), Zayn al-Din ibn Ali (1413 AH). *Masālik al-Afhām ilā Tanqīḥ Sharāʾiʿ al-Islām*. (Authored by Jafar ibn Hasan Muḥaqqiq al-Ḥillī; edited by the Islamic Teachings Foundation), Qom: Islamic Teachings Foundation. [In Persian]
Sobhani Tabrizi, Jafar, and Pishvaei, Mehdi (1397 [2018]). *The Conduct of the Leaders (Sīrat-e Pīshvāyān)*. Qom: Imam Sadiq Institute. [In Persian]
Tabataba'i, Muhammad Husayn (1352 [1973]). *Al-Mīzān fī Tafsīr al-Qurʾān* (The Balance in the Exegesis of the Quran). Beirut: Al-Alami Publishing House. [In Persian]
Tusi, Muhammad bin Hassan (1387 AH). Al-Massut in Imamite jurisprudence. (Mohammad Baqer Behbodhi and Mohammad Taghi Kashfi, proofreader), Tehran: Al-Mortazavi School. [In Persian]
UNDP (1997). *Governance for Sustainable Human Development: A UNDP Policy Document*. New York: United Nations Development Programme.
World Bank (1992). *Governance and Development*. Washington, DC: World Bank.

2. Articles

Taleghani, Davood, & Nasrollahi, Mohammad Sadegh (2022). The Representation of the City of Tehran in Persian Rap Music. *Quarterly Journal of the Iranian Association for Cultural Studies and Communication*, 18(66), 201–224. [In Persian]

Fateminia, Mohammad Ali; Parvin, Sattar; & Darvishifard, Ali Asghar (2020). A Typology of Gambling and Its Social Harms in the City of Tehran (Case Study: Harandi Neighborhood). *Social Sciences Quarterly*, 27(89), 41–70. [In Persian]

Mohammadi, Jamal, & Sharifi, Amir Hossein (2021). The Consumption of Rap Music as an Oppositional Subculture (Case Study: High School Students in Hamedan). *Sociology of Art and Literature*, 13(2), 155–177. [In Persian]

Meisami, Seyyed Hossein (2015). The Emergence of Concerts During the Qajar Era. *Journal of Performing Arts and Music*, (10), 95–109. [In Persian]

Yamini, Fatemeh; Khademian, Talieh; & Dehghan, Hossein (2024). Women and the Consumption of Profane Rap Music (A Qualitative Study on the Semantic Implications for Young Women in Tehran). *Woman in Culture and Art (Women's Research)*, 16(2), 159–173. [In Persian]

3. Newspapers

Sobh-e Emrooz Newspaper (October 25, 2021). Tehran. [In Persian]

Kayhan Newspaper (February 5, 2015). Tehran. [In Persian]

4. Websites

Information Portal of the Office for the Preservation and Publication of the Works of Grand Ayatollah Seyyed Ali Khamenei (1993). Message to the First Specialized Scientific Congress on the Encyclopedia of Islamic Jurisprudence. Retrieved from: https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=2700[In Persian]

Information Portal of the Office for the Preservation and Publication of the Works of Grand Ayatollah Seyyed Ali Khamenei (1997). Message to the First Specialized Scientific Congress on the Encyclopedia of Islamic Jurisprudence. Retrieved from: https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2843[In Persian]

Khamenei, Seyyed Ali (September 22, 1991). Remarks at the beginning of an advanced jurisprudence (*Kharej-e Fiqh*) lesson. Information Portal of the Office for the Preservation and Publication of the Works of Grand Ayatollah Seyyed Ali Khamenei. Retrieved from: https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2491[In Persian]

Khamenei, Seyyed Ali (June 4, 2003). Remarks at the ceremony marking the 14th anniversary of the passing of Imam Khomeini (may God have mercy on him). Information Portal of the Office for the Preservation and Publication of the Works of Grand Ayatollah Seyyed Ali Khamenei. Retrieved from: https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3180[In Persian]

Khamenei, Seyyed Ali (May 8, 2019). Remarks during a meeting with seminary students. Information Portal of the Office for the Preservation and Publication of the Works of Grand Ayatollah Seyyed Ali Khamenei. Retrieved from: https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=42475[In Persian]

Encyclopædia Britannica (2026). "Music". Encyclopædia Britannica Online. Available at: https://www.britannica.com/art/music[In Persian]